

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم و برزنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

بازتایپ و ارسال از: لاله

تاریخ حزب کار البانی

انستیتیوی تحقیقات مارکسیستی آلفینیستی در جنب کمیته مرکزی حزب کار البانی
چاپ «نعم فر اشری» تیرانا ۱۹۶۹

بخش سی و چهارم

۱۸ می ۲۰۱۴

افشای میهن پرستی کاذب «بالی کمبتار»

این پیروزی نه فقط در آتش مبارزه علیه اشغالگران و خائنان بلکه همچنین در طی مبارزه سیاسی سخت علیه ارتجاع داخلی، علیه «بالی کمبتار» به دست آمد.

«بالی کمبتار» برای خرابکاری در مبارزه مسلح ضد اشغالگران، از کلیه وسائل و شیوه هائی که دشمنان خلق و انقلاب به کار می بردند، استفاده می کرد: افتراء، عوام فریبی، ارعاب از طریق علم کردن «لولوی کمونیسم»، تهدید، تحریک، دروغ، وعده های دروغین، کشتار ناجوانمردانه کمونیست ها، پارتیزان ها و اعضای شورا های رهائی ملی، عقد قرارداد های محرمانه با اشغالگران به منظور عملیات هماهنگ علیه نیرو های انقلابی، و غیره.

بالیست ها در برخی از موارد موفق شدند عده ای از دهات را تماماً بفریبند. دهقانانی پیدا می شدند که به اغوای «بالی» و در اثر تهدیدات او از پناه دادن به پارتیزان ها در ده خویش، از تیراندازی به سپاهیان ایتالیائی در طی عملیات، امتناع می ورزیدند و شورا های رهائی ملی را قبول نداشتند.

اگر چنین مواردی منفرد نبود به خنثی شدن دهقانان یعنی بزرگترین پایگاه نیروی ذخیره مبارزه رهائیبخش ملی می انجامید و بالنتیجه فرجام پیروزمند جنگ را به خطر می انداخت. از این خطر در اثر موضع گیری ها و اقدامات قاطع و در عین حال سنجیده حزب که بر شناسائی عمیق شرایط عینی و اوضاع مشخص داخلی کشور مبتنی بود جلوگیری شد.

اکثریت عظیم دهقانان می خواستند برای رهائی میهن علیه اشغالگران بجنگند و فقط حزب کمونیست با کردار روزانه خود آرزوی آنها را اجابت می کرد. «بالی کمبتار» با مبارزه علیه فاشیست ها مخالف بود و این روش با تمایلات و مطالبات دهقانان، و به طور کلی، مردم در تضاد می افتاد.

در بهار ۱۹۴۳ عده ای از دهقانان، موقعی که سپاهیان ایتالیایی وارد دهات آنها می شدند، به فریب سران بالیست و در دنبال «شوراهای» آنان در دهات خویش ماندند بدون آن که اسلحه بر دست گیرند، و واقعاً می پنداشتند که فاشیست ها به آنها دست نخواهند زد. ولی عملاً فاشیست ها دهکده ها را بدون هیچ فرقی آتش زدند و زنان، مردان و کودکانی را که مانده بودند درنده وار کشتار کردند. این درس بزرگی برای همه کسانی بود که به فریب ارتجاع راه داده بودند.

«بالی کمبتار» برای آن که جبهه رهائیبخش ملی را درهم شکند روز به روز بیشتر به اشغالگران نزدیک شد و در کنار آنها در عملیات به ضد شوراهای رهائی ملی و واحد های پارتیزانی شرکت جست. دار و دسته های بالیست از ارتش ایتالیا در عملیات تنبیهی به ضد پارتیزان ها و مردم محلی در کورولش، پزا، مالاکاسترو، و تپلنا، در کورچا، رچ (اشکودرا) و سایر نقاط پشتیبانی کردند و این روش بالیست ها نفرت خلق را بر انگیخت.

حزب به دهقانان باری می کرد که نگذارند فاشیست ها غلات، لبنیات و پشم را به غارت ببرند و موفقیت بزرگ در این زمینه به دست آورد. ولی بالیست ها نه فقط به دهقانان اندرز می دادند که فرآورده های کشاورزی را با اشغالگران و دولت خیانت پیشه تحویل دهند بلکه به دشمن در غارت روستائیان مساعدت می کردند. این رفتار «بالی» باعث می شد که توده ها روز به روز بیشتر از او روی بگردانند.

حزب کمونیست با کار پرداخته سیاسی خویش مشی خود و برنامه جبه رهائیبخش ملی را در میان مردم رواج می داد، مانور های ستمگران فاشیست و خائنان را افشاء می کرد، از مضمون و هدف واقعی هر اقدام و یا هر روش ضد ملی و ضد توده ئی سران و دار و دسته های بالیست پرده بر می گرفت.

به این طریق دهقانان به تدریج در اثر تجربه خویش ایمان یافتند که پیروزی واقعی بر اشغالگران فاشیست و خائنان جز با رهبری حزب کمونیست میسر نخواهد شد. دهقانان روز به روز عمیقتر دریافتند که آرزو های دیرینه آنان در باره آزادی و زمین فقط با دست حزب تحقق پذیر است و «بالی» خواستار الغای ستم و استثمار نیست.

هرچه عوام فریبی و خیانت «بالی کمبتار» شدیدتر افشاء می شد دهقانان و سایر قشر های خلق به حزب نزدیکتر می شدند. توده های مردم در سراسر البانی «بالی» را مسخره می کردند و به طنز می گفتند: «بزک نمیر بهار میاد»، این است صلاحدید «بالی کمبتار»، و او را بیشتر کمبتار نامیدند (یعنی: دُم ملی).

ادامه دارد...